

عنوان مقاله : نشانه شناسی پرنده، کلاغ

نویسنده اول (هانیه شیخی نارانی)

دکترای باستان شناسی (دوران اسلامی)

عضو هیأت علمی دانشگاه رسام کرج و مدرس دانشگاه هنر و معماری تهران و علوم تحقیقات و فناوری تهران

H_sh_graphica@yahoo.com

نویسنده دوم (مریم اسلامدوست)

فوق لیسانس ارتباط تصویری (گرافیک) ، مدرس دانشگاه رسام (رشته هنر)

m.eslamdoost@yahoo.com

نویسنده سوم (آرینب نظریان)

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

Yasna_kian@yahoo.com

چکیده مقاله

با نگاهی گذرا به آثار تاریخی ، ادبی و هنری در می یابیم که معنی و نقش پرنده در زندگی فکری و اجتماعی ایرانیان از نقش و جایگاه مهمی برخوردار بوده است . نقش پرندگان در افسانه ها و داستان ایرانی بسیار پر رنگ است . با توجه با این گستردگی حضور پرندگان ، بررسی کاملی در این زمینه صورت نگرفته و توجه چندانی به تصاویر و نقوش پرندگان نشده است . در این تحقیق به بررسی جایگاه پرندگان و شناخت نقش و تصاویر آن ، به خصوص کلاغ پرداخته شده است .

هدف پژوهش : در ادبیات و زندگی تاریخی ایرانیان با دلایل و طرز فکرهای گوناگون از هر پدیده و موضوع مهم به شکل نمادین ، نشانه ی جانشینی را انتخاب کرده و با استفاده از آن درون متن ادبی ، تصویری و زندگی اجتماعی ، جهان فرهنگی خود را ساخته اند . هدف تحقیق شناسایی و استخراج این نشانه ها در جهان شناسی و اندیشه ایرانی و سایر ملل است .

طرح پژوهش : فعالیت های هنری نیاز به این دارد که با عرصه های اندیشه و تاریخ و فرهنگ پیوندهایی بیابد . هنرمند ایرانی مکلف است با این جنس تفکر ، پیشینه ی فرهنگی ملت خود را به عنوان گنجی ارزنده بررسی نموده و مفاهیم و ارزش های آن را به سود اکنون و آینده در آثار خود به طریق هایی وارد نماید . اهمیت این پژوهش از این ویژگی ناشی می شود .

روش پژوهش : با توجه به اهداف تحقیق که گردآوری و تحلیل نشانه ها و نمادهای پرندگان در افسانه ها و ادبیات است ، روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش از طریق مطالعه اسناد و مدارک موجود در کتابخانه ها بوده است و بررسی نشان و نمادهای پرندگان ، به روش کتابخانه ای و مشاهده ای صورت می گیرد و از منابع متعدد و معتبر بهره گرفته شده و از نوع تاریخی ، توصیفی و تحلیلی است .

کلید واژگان : پرنده ، کلاغ ، غراب ، ادبیات ایران .

مقدمه

وقتی به تاریخ و ادبیات ملل مختلف نظر می‌افکنیم به موجودات و پرنده‌گانی بر می‌خوریم ، که در این تحقیق به مطالعه و شناخت یکی از این پرنده‌گان (کلاغ) پرداخته شده است و از دیدگاه های جانور شناسی ، سمبلیک ، اعتقادات باستانی و باورهای قومی و اساطیری مورد بررسی قرار گرفته است .

این موجودات در فرهنگ های مختلف به اشکال گوناگون نمایش داده می‌شوند . در بعضی از کشورها سمبل بد شانسی و شومی و در دیگر سو نماد و سمبل زیبایی ، معرفت و هوشیاری می باشد .

اسطوره های تاریخی در تمام فرهنگ های کهن جهان وجود دارد ، از جمله در فرهنگ کهن ایران زمین ، رابطه و عجین شدن این اسطوره ها با فرهنگ و سنن مردم روزگاران قدیم ما را ، بر آن داشت تا در مورد یکی از این پرنده‌گان در اساطیر ایران و سایر ملل به بررسی و تحقیق بپردازیم .

کلاغ (Raven)

از نظر جانور شناسی : کلاغ معروف و آنرا زاغ دشتی هم می‌گویند . (برهان) . (آندراج) . غراب . (ترجمان القرآن) . زاغ . غراب . (زمخسری) . به معنی زاغ در غیاث و بهار عجم بالضم آمده ... (آندراج) . ابو القعقاع . ابوالاخیل . ابن دایه ، غاق . نعب . مرغی سیاه و معروف . غربان . (یادداشت به خط مرحوم دهخدا) . (دهخدا ، جلد 40 ، 1351 ، 51) .

تعاریف : کلاغ ، پرنده ایست از راسته سبکبالان و از دسته شاخی نوکان که دارای قدی متوسط (به جثه تقریباً یک مرغ خانگی) که دارای پرهای سیاه (در قسمت سر و بال و دم و گردن) می باشد ، ولی در ناحیه پشت و شکم دارای پرهای خاکستری مایل به سفید است . پر بعضی از کلاغ ها تماماً سیاه است و آنها را کلاغ سیاه یا زاغ سیاه می‌گویند . منقار کلاغ نسبتاً طویل و کاملاً قوی است . کلاغ تقریباً همه چیز خوار است . از تخم و دانه و میوه و برگ گیاهان و جوجه و تخم پرنده‌گان و ماهی و قورباغه و مارمولک و موش و غیره تغذیه می‌کند و گاهی پرستوها را نیز شکار می‌نماید . روی هم رفته پرنده ای موذی و مضر است و باید به دفع آن کوشید . کلاغهای معمولی را که دارای زیر شکم و پشت خاکستری هستند ، کلاغ لاشه نیز می‌گویند ؛

« از کلاغ آموز پیش از صبحدم برخاستن / کز حریصی همچو خوکی تندرست و ناتوان » (سنایی . مد . چا . ا : 357) . (معین ، جلد 3 ، 1362 ، 3016) .

کلاغ که بر روی بام یا دیوار خانه بنشیند و بانگ کند و بانگ او یا دیدن او را نحس و شوم بدانند و بانگ او باعث مباهت و مفارقت میان افراد خانواده شود . (عمید ، 2537 ، 742) .

کلاغ ، نام گروهی از پرنده‌گان بزرگ سیاه ، که تیره ی کلاغها را تشکیل می‌دهند . این تیره مشتمل است بر کلاغ معمولی ، زاغ ، زاغچه و کلاغ سیاه . کلاغها در همه جای زمین جز زلند جدید زندگی می‌کنند . طول کلاغ معمولی به حدود 40 تا 45سم می‌رسد . کلاغ سیاه می‌تواند مانند طوطی بعضی از صداهای آدمی را تقلید کند . (مصاحب ، جلد 2 - بخش 1 ، 1345 ، 2240) .

کلاغ در اعتقادات باستانی : کلاغ سیاه به طلسمی شوم همواره مورد احترام بوده و در میان بومیان آمریکا بال کلاغ سیاه به معنای مرگ برای دشمن است . برای چینی ها کلاغ و حواصیل سفید نماد بین / یان یا اصل مونث ، مذکر است . در ژاپن در آیین شینتوئیسم کلاغ پیام آور خدایان است . (بروس فورد ، 1388 ، 69) .

معانی سمبلیک کلاغ: بدجنسی، بیماری، پلیدی، پیشگویی، جنگ، حرص و طمع، درنده خویی، دروغ، دورویی، شرارت، شومی، شیطان، ظلم، گستاخی، مرگ، ناپاکی، هوش. (جایز، 1370، 106 - 107).

باورهای قومی و اساطیری: کلاغ: به زور گرفتن و دزدیدن طعمه. روح فرد شریر.

پرنده مقدس «آپولو»، «آسکلیپوس» Asclepius (خدای طب و دارو)، «الیاس» Elijah (پیامبر عبرانی است که در مبارزه با پرستش بعل و در نتیجه نجات آیین یهوه از خطر تحریف و تباهی، باموسی در یک مقام قرار می‌گیرد اما یهودی نبوده است. نام او در عبری معنای «فرمانروای من پروردگار است»، «اودین» Odin (خدای خدایان در اساطیر نوردیک است)، «ساترن» Saturn، «کرونوس» Cronus (در اسطوره‌های یونان پادشاه تیتان‌ها است در ابتدای آفرینش خلاء یا خائوس به وجود آمد)، «نوح» Noah.

- در بین سرخپوستان نواحی شمال غربی، پرنده حقه باز و شیادی که باعث دگرگونی دنیا و تبدیل آن به صورت کنونی شده است. او موجودی خود خواه و خیانتکار است که ولع زیادی در ارتکاب گناهان رایج دارد، اما در عین حال یک غیبت گو است و تمام پیشگویی‌هایش به حقیقت پیوسته.

- در میان اقوام سلت، پرنده مرگ منتسب به «برن» Bran (پرنده مرگ).

- مردم چین اعتقاد دارند که شنیدن صدای این پرنده بین ساعات 3 الی 7 صبح موجب دریافت هدایا از جانب شنونده می‌شود و اگر بین ساعات 7 الی 11 صبح شنیده شود باد و باران خواهد آمد. (همانند کلاغ، غراب). نماینده «پی» Pi.

- در هنر مسیحی، پرنده خاص قدیسین Vincent، Benedict، Anthony، Apollo naris. هنگامی که قدیسین مذکور به زهد و تقوا زندگی را می‌گذراندند، کلاگی از آنان محافظت می‌کرد یا غذایشان را تأمین می‌نمود؛ از این رو، مشیت الهی. همچنین، نشانگر شیطان یا گناه.

- نشان دانمارکی‌ها. اگر مقدر بود که دانمارکی‌ها در جنگ شکست بخورند، کلاغ باله‌هایش را می‌آویخت؛ اگر قرار بود پیروزی به آنها تعلق گیرد، کلاغ باله‌هایش را می‌گستراند.

- در افسانه عبریان، این پرنده ابتدا سفید رنگ بود و چون موفق نشد به عرشه کشتی باز گردد. رنگش به سیاهی گرائید. این پرنده مظهر بیقراری، تباهی، فساد، ناآرامی، و ناخوشی به شمار می‌رفت.

- در ایران، پیک خورشید و نشانه قوه رجولیت.

- در ژاپن، شنیدن قار قار کلاغ در ساعاتی غیر از 6 صبح (ساعت ثروت) و 12 ظهر (ساعت خوشبختی). به منزله پیشگویی مرگ تلقی شده است. (همانند کلاغ، غراب).

- در اساطیر نورژ، «اودین» صاحب دو کلاغ بود. یکی به نام Hugin یعنی فکر، دیگری Munin یعنی خاطره.

تعبیر خواب: (کلاغ سیاه در سمت چپ) خطر مرگ؛ (کلاغ سیاه در سمت راست) غمگینی، نومیدی. (همان منبع، 106 - 107).

غراب: فردی که با بهره‌گیری از هوش خود از دسترنج دیگران نهایت استفاده را می‌برد.

صورت فلکی در آسمان جنوبی که به نام Corvus نیز خوانده می‌شود.

پرنده مشاور کاهنان مذهبی رومی .

در علائم نجابت خانوادگی ، نشانه زندگی آرام و ثابت .

- در بسیاری از افسانه ها ، منجمله افسانه « آپولو - کرونیس » Apollo - Coronis ، روایت شده که کلاغ در ابتدا سفید رنگ بود و چون مورد غضب خدایان قرار گرفت به سیاه مبدل شد .

- نشان « آپولو » ، « آسکلیپوس » ، « آماتراس » Amaterasu ، « اوربودا » Aurboda ، « اودین » ، « برن » ، « ساترن » Saturn ، « کرونوس » ، « یاما » Yama ، و غیره .

- در چین ، کلاغ سه پا به منزله روح خورشید است . اگر صدای کلاغ در ساعات 3 الی 7 صبح شنیده شود ، شنونده هدایایی دریافت می کند ، و اگر در ساعات 7 الی 11 شنیده شود ، باد و باران نازل خواهد شد .

- در ژاپن، پیام آور و راهنمای « کامیر » Kami . کلاغ نمونه ای از احترام فرزندی است چون به گونه پسندیده ای از والدین پیر خود مراقبت می کند ؛ همچنین ، سمبل ستمگری . شنیدن صدای قار قار کلاغ پیشگویی مرگ است به جز ساعات 6 صبح (ساعت ثروت) یا 12 ظهر (ساعت خوشبختی) .

- در بین سرخپوستان « کوس » Coos ، صدای کلاغ به منزله رعد و چشمانش ، برق محسوب می شده . در سنت سرخپوستان Iroquois ، اعطاء کننده هدایایی چون غلات .

- در نزد ایتالیایی ها و فرانسوی ها ، پرنده بد اقبال و نحس .

- در یونان ، پرنده حامل اخبار بد ، سمبل طول عمر .

- در نزد هندوها ، پیک مرگ .

- در نروژ ، سمبل حاصلخیزی .

فریاد کلاغ : اخطار مرگ یا مریضی .

کلاغ با بالهای سفید : در چین ، طالع نحس .

کلاغ در بالا : چشم چرانی .

یک جفت کلاغ : در مصر ، سمبل صداقت و وفاداری در ازدواج . (همان منبع ، 104 - 105) .

زاغ : لقبی برای اسقف کلیسا ، چون ردای آنها سیاه و سفید است .

- در چین ، پرنده خوش شگون ، آورنده خوشی و لذت ، مرغ عشق . کلاغان پلی می سازند تا Chin Nu و Chien Niu هر ساله از روی آن یکدیگر را ملاقات کنند .

- در قرون وسطی اروپا ، قار قار کلاغ روی درخت به نشانه دیدار با بیگانگان بوده است .

- در یونان باستان ، پرنده « باکوس » Bacchus .

- در ایران ، دشمن ملخ .

چهار کلاغ : در چین علامت چهار لذت : باران بعد از خشکسالی ؛ دیدار غیر منتظره با دوست قدیمی ؛ موفق شدن در امتحانات سلطنتی ؛ و شمع های رنگارنگ شب ازدواج .

تعبیر خواب : بدشگونی . (همان منبع ، 106) .

کلاغ سیاه ، پرنده ای از خانواده کلاغ ، که از حیث نماد با آن اشتراک دارد . پر و بال سیاهش آن را با مرگ و بدیمنی مربوط می سازد . این پرنده ، صفت خاص چندین الهه جنگ نزد قوم سلت Celtic ، است . اودین ، خدای اقوام شمالی در حالت جنگجویی خود ، کلاغ سیاهی بر روی هر یک از شانه هایش داشت ، که پیام آوران او به شمار می آمدند . در آیین میترا ، کسانی که برای نخستین بار پذیرفته می شدند ، نقابهایی به صورت کلاغ سیاه می پوشیدند . به عنوان پیام آور سول Sol خورشید - خدا ، برای مهر ، این پرنده ممکن بود دارای نشان کادوسئوس هرمس / مرکوری باشد . کلاغ سیاه یک نماد عیسوی شیطان بود ، زیرا از جیفه (مردار) تغذیه می کند . با وجود این ، به راهبان صحرایی مانند الیاس ، پل راهب ، آنتونی بزرگ ، و همه مقدسان کمک می کرد و برای آن ها نان می آورد . (یک کلاغ سیاه دارای سه پا در یک قرص خورشید : خورشید ؛ سه زانویی چرخان .) (هال ، 1387 ، 84) .

- کلاغ چینی : وقتی که کلاغ کاملاً سیاه است به معنی شر ؛ بد خواهی ؛ بد بختی و نگرانی است ؛ اگر قرمز یا طلایی تصویر شود ، خورشید و اطاعت فرزندی است . به هر حال این احتمال باقی است که شاید این حیوان بیشتر یک خروس باشد تا یک کلاغ زیرا خروس با خورشید مرتبط است و ممکن است مخلوقات تصنعی باشند که در هم ریخته اند . کلاغ یا خروس سه پا در خورشید زندگی می کند . کلاغ سیاه که با حواصل سفید جفت شده نماد بین و یانگ است .

ژاپنی : بد شگون ؛ بدبختی ، همچنین در آیین شینتو ، کلاغهای مقدس پیک ایزدان هستند و پرستشگاهها را تداعی می کنند . گاهی کلاغ جلوی خورشید تصویر شده است .

سرخپوستی : در برخی قبایل کلاغ وظیفه آفریننده را بر عهده دارد .

عبری : مردار ، جد .

کیمیاگری : سیاهی ، مرحله اول ماده را صناعت کبیر .

مسیحی : عزلت ، چون چشمهای وق زده ای دارد معرف اهریمن است که گناهکاران را کور می کند .

مصری : یک جفت کلاغ مظهر زناشویی ساعتند است .

هندو : نشانه ورونا Varuna .

یونانی : برای آپولون و آتنه مقدس است . (کوپر ، 1379 ، 293) .

- زاغ پرنده پر گو ، از این رو به معنی پیشگویی است ؛ از سوی دیگر دو خصلته نیز هست ، هم شمسی است و هم تاریکی شر ، هم خرد است و هم ویرانی جنگ . زاغها و گرگها خویشان ایزدان ابتدایی مردگان هستند .

اسکاندیناویایی و توتنی : روی شانه های اودین / وودن Odin / Woden دو زاغ قرار دارد ، یکی هوگین Hugin ، « تفکر » و دیگری ، مونین Munin « حافظه » که همه جا را می پیمایند و آنچه را می بینند گزارش می دهند . زاغ علامت مشخصه دانمارکیها و وایکینگها بود .

چینی : یکی از دوازده حیوان بروج طالع و مظهر نیرو است . زاغ سه پا در خورشید زندگی می کند و مظهر سه مرحله طلوع و اوج و غروب است .

سلتی : هنگام تفأل تداعی گر چکاوک است ؛ « زاغ خجسته » نشانه ایزد بانوان جنگ و باروری است . مورینگان Morrigan ایزدبانوی زاغ و بدب Badb « زاغ جنگ » نماد جنگ و خونریزی و دهشتناکی و شرارت هستند . نشانه بندگیت بران Bendegeit Bran قهرمان که زاغی دارد و ليو Lugh که دو زاغ جادویی دارد . زاغی که کاملاً سیاه رنگ است بدشگون محسوب می شود ، اما زاغ پر سفید به موجودی سعد تعبیر می شود.

عبری : مردار ؛ نا پاک ؛ ریاضت ؛ نابودی ؛ فریبکاری .

کیمیایگری : زاغ همراه با مجمه و گور نماد تسوید و تجسید است ، سیاهی Nigredo ، مرحله نخست از صناعت صغیر است و مظهر مرگ جهان است « از خاک بر آمدن و در خاک شدن .

مسیحی : اهریمن ، از گند تغذیه می کند ؛ به سبب داشتن چشمانی فرورفته ، اهریمنی است که چشمان گناهکاران را کور می کند . زاغ نماد گناه است . در تضاد با کبوتر سفید که نماد جان معصوم است . زاغی که نوح از کشتی می فرستد مظهر سرگردانی ، ناآرامی و ناپاکی است . در نمادهای هبوط معمولاً زاغ روی درخت معرفت است که حوا از آن میوه می چیند . ضمناً مظهر انزوا است در نتیجه نمایانگر قدیسان تارک دنیا به حساب می آید ، علامت مشخصه قدیس آنتونی Anthony ، قدیس ابوت Abbot ، قدیس بندیکت Benedict ، قدیس آیدا Ida ، قدیس اوزوالد Oswald ، قدیس پاولوس Paul تارک دنیا ، قدیس وینسنت Vincent .

مصری : ویرانی ؛ شرارت .

میتراپی : نخستین درجه راز آشنایی ؛ خدمتکار خورشید .

یونانی : طول عمر ، برای هلیوس / آپولون Helios / Apollo مقدس است ؛ پیک ایزد خورشید ، نشانه آتنه ، کرونوس و اسکولاپه Aesculapius در نقش باروری در عروسیهها حاضر می شود . در هنر اورفئوسی زاغ مرگ به صورت مخروط کاج و مشعل نور و زندگی نشان داده شده است . (همان منبع ، 178) .

- کلاغ : در مطالعات تطبیقی در مراسم و باورهای اقوام گوناگون نتیجه گرفته شده است که در نماد گرایی کلاغ جنبه بی کاملاً منفی وجود نداشته و این جنبه فقط در دوران اخیر و به تقریب عمدتاً در اروپا بوده است . در واقع در تعبیر روانشناختی کلاغ در رویا ، آن را به عنوان علامت نحوست ، و در ارتباط با ترس از نکبت و بدبختی به شمار آورده اند . کلاغ پرنده ی سیاه رمانتیکها ، بر بالای میدان جنگ پرواز می کند و از گوشت اجساد سربازان می خورد . این مفهوم ظاهراً متأخر و کاملاً منطقه بی است ؛ با این همه آن را در هند باز می یابیم : در مهابهارته کلاغ با پیام آور مرگ مقایسه می شود و احتمالاً در لائوس نیز که آب آلوده توسط کلاغها برای پفک آب در آینهها نجس محسوب می شود ، از همین مفهوم ناشی شده است . اما به رغم این مفهوم ، تقریباً همه جا در شرق و غرب فضایل مثبت به کلاغ منسوب است و نماد گرایی او را می سازد .

به مثل در چین و ژاپن کلاغ نماد حق شناسی از والدین است ، زیرا کلاغ پدر و مادر خود را اطعام می کند . سلسله ی هان کلاغ را علامت برقراری نظم اجتماعی می دانستند . در ژاپن کلاغ را نشانه ی عشق خانوادگی می دانند . همچنان در ژاپن ، کلاغ پیک الهی است ، و برای سلسله ی جو در چین ، پرنده ی سعد و بشیر فتوحات و علامت فضایلشان است . آنان کلاغ را سرخ ، به رنگ خورشید نقش می کردند . در چین کلاغ پرنده ی خورشید بود . تعداد کلاغهای خورشید ده تا بود که در هنگام طلوع از درخت

توت بر می خاستند تا نور را به تمامی دنیا برسانند . نمادی که ظاهراً به آیین شینتو رسیده است . بی کمانگیر ، نه کلاغ از این ده کلاغ را با تیر زد و گرنه جهان آتش می گرفت و می سوخت .

کلاغی سه پا وسط خورشید بر مجسمه بی از دوره ی هان نقر شده ، در اینجا این کلاغ سه پا حیاتبخش خورشید و شاید نشانه ی یانگ به تنهایی است ، او نشانه ی خاقان چین است و همچون هر سه پایه بی به نماد گرایی خورشیدی ارتباط دارد : طلوع ، سمت الرأس ، غروب .

کلاغ در سفر آفرینش نماد مال اندیشی و هوشیاری است . او بعد از طوفان از طرف نوح مامور می شود تحقیق کند که آیا زمین از زیر آبها به در آمده است : و واقع شد بعد از چهل روز که نوح دریچه ی کشتی را که ساخته بود ، باز کرد و کلاغ را رها کرد . او بیرون در تردد می بود تا آب از زمین خشک شد .

در یونان نیز کلاغ نمادی خورشیدی است ، زیرا وقف آپولون است . به عقیده ی استرابون ، کلاغها ، به عقیده ی پینداروس ، عقابها و به عقیده ی پلوتارک ، قوها محل اومفالوس دلفی را تعیین کردند . وجه مشترک این سه پرنده آن است که نقش پیک خدایان را بر عهده دارند ، و اعمال پیشگویانه انجام می دهند . کلاغ از اختصاصات میترا نیز بود . کلاغها را دارای نیروی دفع بلا می دانند .

در بسیاری از افسانه های سلتی ، کلاغ حضور دارد و در همه ی آنها نقشی پیشگو دارد . نام لیون یا لوگدانوم [همذات هرمس یونانی] توسط پلوتارک دروغین بدین نحو تفسیر شده است ، و به طور یقین مبتنی است بر سنتهای گالیایی در تپه ی کلاغ و نه در تپه ی لوگ ، زیرا پرواز کلاغها نشانه ی پایه گذاران و محل بر پای شهر بود . در ایرلند ، خدای بانوی جنگ بدب به معنای زاغ است . از سویی کلاغ نقشی اساسی در قصه ی گالیایی به نام برودویت نابویی ، یا رویای نابویی دارد : کلاغهای او این پس از اینکه چندتایشان توسط سربازان آرتور کشته شدند ، با خشونت عکس العمل نشان دادند و قشون آرتور را منهدم ساختند . هنوز هم در ادبیات مردمی سلتی ، کلاغ جایی رفیع دارد . در میان گالیایی ها کلاغ حیوانی مقدس بود . در اساطیر ژرمن کلاغ پرنده ی خاص وُتان ، همراه و هم سخن او بود .

در اساطیر اسکاندنیوا ، دو کلاغ بر صندلی اودین نشسته بودند ، یکی از آنها هوگین ، روح و دیگری مونییم ، حافظه نام داشت ؛ دو گرگ هم پایین پای اودین نشسته بودند ؛ دو کلاغ نشانه ی دو اصل خلقت و دو گرگ نشانه ی دو اصل عدم و نابودی بودند.

در میان تلمن جت ها [از اقوام مغولی سبیری غربی ، که اکثر آنها شمنی هستند] ، چهره اصلی الوهی ، کلاغ است ، او قهرمان — خدای اولیه است که دنیا را می سازد ، و یا دقیقتر ، آن را سازمان می دهد ، تمدن و فرهنگ را در همه جا می گستراند ، خورشید را خلق و آن را رها می کند ، و غیره .

در آمریکای شمالی ، موجود برتر آسمانی معمولاً با شخصیتهای اساطیری تندرو باد می آمیزد و اغلب به صورت پرنده بی بزرگ (کلاغ و امثال آن) ظاهر می شود ؛ حرکت بالش باد ایجاد می کند و زبانش صاعقه می آفریند.

در میان ماندان ها [سرخپوستان آمریکای شمالی ، که بازماندگانشان در داکوتای شمالی زندگی می کنند] در جشن بهار مراسمی بر پا می شود و جارچی بهار ، به عنوان انسان نخستین ظاهر می شود ، بدن او لخت است و به رنگ سفید شده است ، او ردایی از پوست چهار گرگ سفید بر شانه دارد و دو بالچهی کلاغ بر سر و عقب نشستن آنها را اعلام می کند .

کلاغ ، پیک خدای صاعقه در میان مایاها است .

نقش راهنما و روح حامی در میان آفریقای سیاه ، برای کلاغ گواهی شده است . لیکوباها و لیکوالاهای کنگو ، کلاغ را پرنده بی می دانند که انسانها را از خطراتی که در کمین است آگاه می سازند .

کلاغ در ضمن نماد تنهایی است ، یا بیش از آن نشانگر انزوای عمدی کسی است که تصمیم گرفته در جایی بالاتر زندگی کند . از سوی دیگر ، کلاغ نشانه ی آرزو است . طبق نوشته ی سوئونیوس [کایوس ترانکوئیلوس ، تاریخنگار رومی ، حدود 128 – 69 میلادی] کلاغ دائماً تکرار می کند : کرا کرا ، یعنی فردا ، فردا .

بدین ترتیب در اغلب باورها کلاغ به عنوان قهرمانی خورشیدی و اغلب به صورت خدا یا پیک خدا ، و یا راهنما ، و یا حتی راهنمای ارواح در سفر آخرشان ظاهر می شود ، که در این حالت نقش هادی ارواح را دارد . او بی که گم شود در راز ظلمتها نفوذ می کند . احتمالاً جنبه ی مثبت کلاغ به باورهای صحرائشینان ، شکارگران و ماهیگران وابسته است ، در حالی که برای خشکه نشینان و کشاورزان کلاغ جنبه ی منفی دارد .

کیمیاگران همواره مرحله ی عفونت و ماده ی سیاه را به کلاغ ارتباط می دهند . آنها ماده ی سیاه را سر کلاغ می خوانند ؛ سر کلاغ برص دارد و با هفت مرتبه شستن آن در نهر اردن [رود بزرگ فلسطین که از جبل الشرفی سرچشمه گرفته به بحر المیت می ریزد] ماده ی سیاه سفید می شود . مراحل آن اندودگی ، تصعید ، تقطیر و تحلیل ماده است ، و به خودی خود و تنها با یک شعله ی آتش رخ می دهد . بدین گونه مطرح کردن دایم پر سیاه مرغان در رساله های قدیم علوم هرمسی توجیه می شود . (شوالیه – گربان ، جلد 4 ، 1385 ، 581 – 585) .

کلاغ مانند همه پرندهگان سیاه در قصه های غربی و گاه شرقی ، نماد هوش و فراست است و آنچه از قدرت و اختیارش در تعیین سرنوشت مردمان می گوید دال بر هوشیاری او است . این پرنده در نظر قبایل سرخ پوست و مردم سیبری نماد فرهنگ و تمدن است . (ستاری ، هنر و مردم ، 114 / 75) و در بیشتر قصه های غربی و گاه در برخی روایات شرقی ، مشاور و ناصح هوشیار مردمان معرفی شده است و از آینده و آنچه روی خواهد داد خبر می دهد .

عمر طولانی کلاغ در اغلب فرهنگها معروف و زبازد است و نیز مُردار خواری و طبیعت فرودین او . در کتابهای حیوان شناسی ، از جمله حیاة الحیوان به این خصوصیت ، یعنی عمر دراز او که در برابر عقاب (معروف به عمر کم) قرار می گیرد ، اشاره شده است : " گویند زاغ سیصد سال بزید و گاه سال عمرش از این نیز در گذرد ... عقاب را سی سال عمر بیش نباشد " . همین تقابل عمر و طبع دو پرنده معروف در فرهنگ ایران و جهان سبب شده است که پرویز خانلری با الهام از قصه ای با همین مضمون ، از کتاب دختر سروان اثر پوشکین ، منظومه بلند (عقاب) را با مطلع زیر بسراید : گشت غمناک دل و جان عقاب / چو از او دور شد آیام شباب . (یوسفی ، چشمه روشن ، 1367) .

- کلاغ : در میان مرغان کلاغ از همه زیرک تر است و چون مردار خوار است گوشت آن را نمی توان خورد . هفتمین کالبد ایزد بهرام پرنده تیز پروازی است که به اعتقاد برخی شاید کلاغ باشد . تشرف یافتگان به کیش مهرپرستی به هفت مرتبه تقسیم می شدند و نماد مرتبه اول « کلاغ » بود . اعضای این مرتبه ماسک کلاغ بر چهره داشتند . ایرانیان قدیم به پر کلاغ با احساس ترس آمیخته با خرافات می نگریستند و می پنداشتند که پر این پرنده انسان را حفظ می کند و برای او نیکبختی و قره به همراه می آورد . احتمالاً کلاغی که در تصاویر مهری بناهای تاریخی رومی همراه ایزد مهر (میترا) است ، در اصل نمادی از خدای پیروزی (ایزد بهرام) برای همراهی یا یآوری مهر می باشد . (قلی زاده ، 1387 ، 327) .

- کلاغ : رنگ سیاه کلاغ با مرگ و فاجعه پیوند دارد و از آنجا که پرندهگان بزرگ سیاه نسبتاً غیر عادی اند ، احساس می کردند که رنگ تیره آنها را باید توجیه کنند . شماری از افسانه ها درباره توجیه سیاه بودن این پرنده هاست . از این رو ، مطابق گزارش

پوزانیاس و نویسندگان دیگر ، وقتی آپولون عاشق کرونیس ، مادر آسکله پوس ، شد کلاغی سفید برفی را مأمور کرد تا به هنگام عزیمت او به شهر دلفی ، بالای کوه نگهبانی دهد ، کرونیس به رغم این کار ، هر چند قبلاً از ایسخوس حامله بود ، نسبت به او بدبین بود . پیش از آن که کلاغ خبر دهد ، آپولون پیشگویی کرده بود که چه رخ داده و از این که کلاغ چشم های ایسخوس را از حدقه در نیاورده بود ، به خشم آمده و کاری کرد که رنگ کلاغ سیاه شود .

در داستان دیگری آمده که ایزدان قربانی می کردند و کلاغ رفت که برای پیشکش آیینی از چشمه آب بیاورد اما از این کار طفره رفت و آن قدر منتظر شد تا میوه آنجیر رسید . پس ، ایزدان او را محکوم کردند که تابستان ها از تشنگی رنج برد و از این روست که کلاغ به گونه خشن قارقار می کند .

اشارات مکرری در باب رابطه کلاغ سیاه یا زاغ و آب در فرهنگ عامه می توان یافت ، چون این پرند ها چندان طرفدار زیستگاه های مرطوب و در واقع گاه طرفدار صخره ها و ویرانه های اقلیم بیابانی نیستند . پیوند مذکور ظاهراً مأخوذ از این نکته است که کلاغ ها به طور دسته جمعی به هنگام بر آمدن ابرهای توفان زا حلقه می زند . از این رو ، این پرندگان را دارای صفات پرندۀ توفانی به شمار آورده اند ، مانند پرندۀ هایی که در ارتفاع بالا پرواز می کنند و گاه پرندگان اساطیری آسیا یا جاهای دیگرند .

به همین ترتیب ، کلاغ در نزد یونانی ها و رومی ها پیشگویی آب و هوا بود . بسیاری از نویسندگان یونانی کلاغ سیاه را نشانه توفان قلمداد کرده اند هر چند برخی ویژگی های رفتاری اش به عنوان پیش بینی آب و هوای خوب تعبیر گردیده است . پیوند کلاغ با ابر و باران به این معنی بود که کلاغ را اغلب پرندۀ توفان می پنداشتند .

شاید مشهورترین داستان درباره پیوند کلاغ با آب روایتی است در سفر پیدایش کتاب مقدس که می گوید نوح کلاخی را از کشتی بیرون فرستاد تا خشکی را پیدا کند . این مأخوذ از اسطوره کهن تر توفانی است که در شهر باستانی آکره در فلسطین رخ داد و کبوتر ، چلچله و کلاغ را بیرون می فرستند تا ببینند آب فروکش کرده است یا نه . آورده اند که در کرانن واقع در تسالی ، دو کلاغ سیاه بوده و دیگر هیچ - شاید بر این اساس بوده که پرندۀ ها برای ادامۀ بقا با هم جفت گیری می کنند - اما در کرانن کلاغ ها با جشن باران پیوند داشتند . سکه های سده 4 پ . م . تصویر دو کلاغ را نشان می دهند که بر ارابه ای شمل کوزه آب و قطعات فلز معلق در آن نشسته اند . تکان دادن این کوزه ها ، صدای سکه ها و پراکنش آب ، رعد و برق را در ابعاد کوچک تداعی می کرد . معتقد بودند که با این کار می توانند باران را وادارند که به زمین فرو ریزد . می گفتند که کلاغ پرندۀ خردمندی است که اینجا و آنجا پرواز می کند و گاهی آوازه پیوند او با ایزدان بر سر زبان ها بود و او را پیام آور ، خبر کننده و راهنما می دانستند . (وارنر ، 1387 ، 510 - 511) .

- کلاغ (کولاغ) ، از ریشه اوستایی « وراغنه » (شاهین) و هم ریشه پهلوی « وراغ » ، « وراک » . پرندۀ ایست از دسته سبک بالن بزرگ بامنفار دراز و قوی تقریباً همه چیز خوار است . از دانه ، میوه ، برگ درختان ، جوجه ، تخم پرندگان ، ماهی ، قورباغه ، مارمولک ، موش و غیره تغذیه می کند و گاهی پرستوها را نیز شکار می نماید . کلاغهای معمولی را کلاغ لاشه نیز می گویند (غراب) .

کلاغ دارای انواع متعدد است ، با گویشهای محلی متفاوت ، کلاغ سیاه و سفید معمولی که در فارسی آنرا (کشکرک ، کشکره ، کشکرت ، قشقله ، قشقره) گویند در لهجه های گوناگون ایرانی همه ، هم ریشه و هم معنی اند و همه تغییر یافته و تحول یافته یک نامند که اکنون در لهجه های ایرانی تلفظ و استعمال می شوند .

کلاغ در تداول زبان فارسی ؛ کلاغ زاغی ، زاغی ، زاغچه ، کشکرک ، کلاغ پیر ، کجله ، قژله ، کلاژ ، عگه و عقق ، نیز خوانده می شود . (دو نام اخیر ، عگه و عقق در فرهنگ های عربی مضبوط است) .

علی رغم خوش خبری و خوش یمنی این پرندۀ نزد ایرانیان در برخی مناطق آنرا شوم می دانند .

عقیده به تطیّر (به فال بد گرفتن) و بدشگونی این پرندۀ در اصل مأخوذ از عرب است و آنرا نشانه بی وفایی و جدایی دانسته و نوای او را به ویل و وای و فغان و نوحه تعبیر کرده اند ، چنانکه منوچهری به تقلید از عرب در یکی از قصاید معروف خود بدین موضوع چنین پرداخته :

فغان از این غراب و ویل و وای او / که در نوایم افکنده نوای او

غراب بین نای زن شدست و من / سته شدم ز استماع نای او

برفت یار بیوفا و شد چنین / سرای او خراب چون وفای او . (مکرری ، 1361 ، 94) .

از دیگر صفاتی که کلاغ را به آن نسبت می دهند ، حیلۀ گری ، دزدی ، سخن چینی ، شرم و حیا و هوش سرشار آنهاست . نسبت دادن این صفات به کلاغ دور از واقع نیست . در تحقیقاتی که پیرامون زندگی و رفتار این پرندۀ انجام گرفته به نکات جالب توجهی بر می خوریم ، به عنوان مثال : کلاغها هنگامی که مشغول ساختن لانه هستند ، اغلب مصالح ساختمانی را از هم می دزدند و زمانی که دزد از نظر ناپدید می شود ، کلاغی که خیانت دیده است به نوبه خود جبران زیان می کند ، با این همه روح همکاری و تعاون در کلاغها به منتهی درجه خود وجود دارد .

آنها در برابر جوجه های خود مسئولیت شدیدی احساس می کنند ، به این جهت محبت کلاغ به بچه هایش ضرب المثل است و اگر کسی برای خارج کردن جوجه ها به لانه نزدیک شود ، پدر و مادر آنها با فریاد ، کلاغان دیگر را به کمک می طلبند . در اندک مدتی گروهی کلاغ اجتماع کرده و با حمله به متخاصم او را از میدان به در می کنند و گاهی با نوک خود چشم آن شخص را کور کرده یا از حدقه خارج می سازند .

آنها این کار را با قار قار مخصوصی انجام داده و کلاغان دیگر ، با شنیدن این صدا متوجه به یاری طلبیدن همونوع خود شده و به کمکش می شتابند . در برخی موارد نیز قارقار کلاغ معنی دیگری می دهد ، مثلاً گاهی کلاغ نگهبان با قار مخصوصی همونوعان خود را از خطر آگاه کرده همه با هم از محیط خطر فرار می کنند .

کشاورزان آمریکایی صدای وحشت کلاغ را روی نوار ضبط کرده و در مزرعه ای که می خواهند از آسیب کلاغها محفوظ بماند با ضبط صوت و بلند گو پخش می کنند . کلاغها با شنیدن سخن آشنا که به آنها اعلام خطر می کند فرار می نمایند و در نتیجه محصول آسیب نمی بیند .

این طریقه بهتر از گذاردن « مترسک » و برافراشتن « سرخر » در مزارع و کشتزارهاست که معمول اکثر کشاورزان است . حال اگر صدای کلاغی که همونوعان خود را به کمک می طلبد ، روی نوار ضبط و بعد منتشر کنند به عکس کلاغها اجتماع خواهند کرد ، ولی اگر این شوخی تکرار شود دیگر جمع نخواهند شد .

کلاغ از حیوانات باهوش و باشعور است و طرز زندگی او از ادراک درستش حکایت می کند . در بند هشن آمده : « مرغان همه زیرک اند و کلاغ از همه زیرک تر » .

- کلاغها در موقع پروازهای دسته جمعی یک قراول در جلوی خود حرکت می دهند کلاغ پیشتاز قدرت هوش و ذکاوتش به قدری است که می تواند خطر را به خوبی تمیز دهد و امنیت دورترین نقاط مسیر حرکت را نیز کاملاً تحت کنترل قرار دهد . مثلاً از نیت سوء شخصی که شیئی در دست دارد به فوریت آگاهی حاصل نماید .

- اگر کلاغ تکه نان خشکی به چنگ آورد که نتواند آنرا خورد کند بدون تأمل آنرا به منقار گرفته خود را به نزدیکترین جوی آب یا حوض می‌رساند و با حوصله فراوان آنرا آنقدر در آب نگاه می‌دارد، تا کاملاً ملایم و قابل خوردن گردد. - برای پوست کردن گردو یا خوراکی‌هایی که دارای پوست سفت است آنرا به منقار گرفته از ارتفاع بر تخته سنگی رها می‌کند تا به تخته سنگ اصابت کرده مغزش از درون پوست خارج شود.

- کلاغها به هنگام شادمانی، پنیرو گردو و چیزهای دیگر را در اوج هوا به پایین رها ساخته و بعد با یک فرود ماهرانه دنبال آن آمده در هوا باز می‌گیرند. این بازی تقریباً مخصوص و منحصر به دسته کلاغان است و کمتر پرنده ای دل و جرأت چنین کاری را دارد.

- با مشاهده کلاغ کشته ای جنجال و همه‌همه عجیبی براه می‌اندازند. گویی در مرگ او سوگواری می‌کنند.

- هیچکس ادعا نکرده که جفت‌گیری کلاغ‌ها را به چشم دیده باشد. زیرا این پرندگان عقیف برای این کار همیشه مکان خلوت را انتخاب می‌کنند. فقط جانور شناسان، با نهادن دوربین‌های عکاسی و دستگاه فیلمبرداری که در محل زندگی کلاغهای نر و ماده نهاده‌اند و خود از نظر پنهان‌گشته‌اند، توانسته‌اند از اینگونه صحنه‌ها عکس برداری کنند و به یقین اگر کلاغان و سایر جانوران عقیف بر وجود اینگونه جاسوسان اطلاع پیدا می‌کردند از جلو دوربین‌ها نیز فرار می‌نمودند.

- کلاغها در احساسات خانوادگی و علاقه به جنس مخالف خیلی جلو هستند از تعدد زوجات پرهیز دارند و نسبت به زن و خانواده همیشه وفادار می‌مانند.

به همین سبب تنها جرم غیر قابل‌گذشت میان آنها رفیق‌گرفتن کلاغ ماده است و کمترین مجازات او مرگ است. (محمودی ، 1352 ، 117 - 119) .

- در اساطیر و قصه‌های تمام عالم این پرنده، یار و یاور هوشمند مردم متمدن شناخته شده است. « ملیبه » Melibee قهرمان ویرژیل، درباره مداخله هوشمندانه کلاغان و زاغان در تقدیر و تعیین سرنوشت نوع بشر و اقوام، آگاهی‌هایی به ما می‌دهد.

تا نیم قرن پیش در ایسلند، هنوز مردم باور داشتند که قارقار و پرواز کلاغان بر کسانی که می‌دانستند چگونه باید آن بانگ و پرواز را شنید و دید، همه اسرار را فاش می‌کند.

این معنای رمزی خوش‌آیند کلاغان و دیگر پرندگان سیاه فام، یادگار و بازمانده نقشی است که مانده‌های آن در اساطیر داشته‌اند.

این پرندگان نیکوکار که پیام‌گذاران زندگانی جاویدند، پیشتر در آئین سومری پرستش « خدای آسمان » سرور و فرمانروای « ژیرسو » Girsu ظاهر شده‌اند و عبارتند از، مرغان - طوفان، مرغان - صاعقه، که با نزول بارانی بارور کننده به زمین، زندگانی جاوید می‌بخشید. (دلاشو ، 1366 ، 166 - 167) .

کلاغ در آیین میترا

در آیین میترا، کلاغ پیکر مقدس، فرشته‌ای میانجی بین خدایان و مردمان بوده و هنگام قربانی گاو، منادی و مبشر اوست. پیام‌آورد را به میترا می‌رساند و در واقع وظیفه‌اش به مرکور، پیکر خدایان شباهت دارد. در مهر پرستی (میترائیسم) طی هفت مرحله و مقام، سلوک انجام می‌گرفت و پایه و مقام محترمی برای سالکان وجود داشت که به نیت نیروهای موجود در آن

مقام ، نام و ویژگی خاصی برای آن پنداشته بودند . در پاره ای از موارد این مقام ها موجودیتی حیوانی داشتند . مانند : شیر ، کرکس و کلاغ ، (که مقام اول محسوب می شد) .

در این مقام (مقام کلاغ) ، که مختص خدمت گذاران مهرابه بوده است ، کسانی که می خواستند در زمره پیروان در آیند ، تحت نظر پدر مقدس به جرگه مؤمنان پذیرفته می شدند . چون در برخی از پرده های نقاشی ، کسانی که خود را به شکل کلاغ در آورده اند ، سرگرم پذیرایی در مجلس صرف طعام مقدس ، جهت شرکت کنندگان می باشند .

کسانی که می خواستند به جرگه وارد شوند و تشریف حاصل کنند ، ناگزیر از انجام یک رشته مراسم و تشریفات بودند . این مراسم « کروینا » *Corvina* یا « کراسی - نا - ساکرا » *Corasina sacra* خوانده می شد . هنگامیکه این مراسم پایان می یافت ، پدر مقدس ؛ آنرا کلاغ مقدس *Leros corax* خطاب می کرد و این نشان آن بود که مقامشان رسمی شده است و از این هنگام بود که در مهرابه ، اینان ملبس به پوشش کلاغ می شدند و در پاره ای تشریفات از صدا و حرکاتش تقلید می کردند . و در واقع این پست ترین مقام ، در مقامات آئین میترا بود . چنین رویدادی به دوران های پیش از تاریخ بر می گردد که مردم خدایان را با چهره و اندام حیوانات تصور کرده ؛ تصویر و تندیس می کردند . فرد معتقد و پیرو این خدایان ، با نهادن نام چنین جانورانی خدا گونه به خویش و به هنگام اجرای مراسم دینی ، که خود را به صورت و ریخت جانوران در می آورد ، در حقیقت بدین باور بود که با این خدایان ، یگانه و همراه و عجین شده است .

سماع و حالات آهنگین رقص در مهرابه ها معمول بوده است ، که با خواندن نیایش هایی درباره میترا همراه بود ، رقصندگان که از سالکان مراحل هفتگانه بودند ، هر چندی ، پوشاک ویژه ای در خور مرحله ای از سلوک که سالک آن بودند به تن می کردند و در رقص ، حرکات جانورانی را تقلید می کردند که به هیأت آنها در آمده بودند . چون پرندگان ، بال می زدند ؛ صدای کلاغ در می آوردند و یا چون شیر می غریدند .

کلاغ ، سمبل و کنایه از هوا هم می باشد . مطابق با یک تقسیم بندی دیگر از دوازده مرحله سلوک یاد می شود. در این دوازده درجه یا مقام سلوک به چهار دسته براساس عناصر چهار گانه تقسیم می شد . نخست مقام هواس ، که کلاغ از آن جمله است .

کسانی که به منصب کلاغی می رسند سرپرست و مباشر انجام مراسم تشریف وابسته به عنصر هوا می شوند و نقاب و صورتک کلاغ به چهره می بندند . « اوگوستین » مفسر سده چهارم میلادی ، هر چند این مراسم را تقلیدهایی استهزاء آمیز بیان کرده ، اما در واقع این پوششها بر اساس شرح و تقسیم محققان میتراپی ، اشارات و کنایاتی هستند به نشانه های بروج دوازده گانه و یا تعبیری در تناسخ و نمایش حلول روان در کالدهایی دیگر . (رضی ، 1382 ، ..) .

کلاغ در منابع قدیمی :

تورات : اولین فرستاده حضرت نوح ، بعد از طوفان جهت یافتن خشکی ، کلاغ بوده است . در تورات ، سلیمان نبی زلفهای محبوب خویش را چنین تشبیه می کند : محبوب من سفید و سرخ فام است و بر هزارها افزاشته شده است . سر او طلایی خالص است و زلفهایش به هم پیچیده و مانند غراب سیاه فام است . (تورات ، کتاب غزل زلفهای سلیمان ، باب پنجم ، آیات 10 تا 12) .

از کلاغ (غراب) در تورات در جایی دیگر چنین یاد شده : زیرا خداوند را روز انتقام و سال عقوبت بجهه دعوی صهیون خواهد بود . و نهرهای آن به قیر و غبار آن بکبریت مبدل خواهد شد و زمینش قیر سوزنده خواهد گشت . شب و روز خاموش نشده ، دودش تا به ابد خواهد بر آمد . نسل بعد نسل خراب خواهد ماند که کسی تا ابد آباد در آن گذر نکند . بلکه مرغ سقا و خارپشت

آنها تصرف خواهند کرد و بوم و غراب در آن ساکن خواهند شد و ریسمان خرابی و شاقول ویرانی را بر آن خواهد کشید . (تورات ، کتاب اشعای نبی ، باب سی و چهارم ، آیات 8 تا 11) .

یکی دیگر از اسفار تورات خوردن گوشت پرندگان را چنین توصیف می کند : و از مرغان اینها را مکروه دارید خورده نشوند زیرا مکروه اند ... و غراب با جناس آن . (تورات ، سفر لاویان ، باب یازدهم ، آیات 13 تا 20) . (کتاب مقدس - عهد عتیق (تورات) ، 1004 - 1048 - 167)

انجیل : در انجیل لوقا ، حضرت عیسی خطاب به شاگردانش چنین می فرماید : پس به شاگردان خود گفت از این جهت به شما می گویم که اندیشه می کنید به جهت جان خود که چه بخورید و نه برای بدن که چه بپوشید . جان از خوراک و بدن از پوشاک بهتر است . کلاغان را ملاحظه کنید که نه زراعت می کنند و نه حصاد (درو کردن) و نه گنجی و نه انباری دارند و خدا آنها را می پروراند ، آیا شما به چند مرتبه از مرغان بهتر نیستید . (انجیل لوقا ، باب دوازدهم ، آیات 22 تا 24) . (کتاب مقدس - عهد جدید (انجیل) ، 115) .

قرآن : خداوند در قرآن کریم نام کلاغ را در یک آیه دو بار ذکر فرموده و وجود او را موجب عبرت و تنبیه قابیل که برادرش هابیل را کشت قرار داده است ، آنجا که می فرماید : " آنگاه پس از این گفتگو (هوای) نفس او را بر کشتن برادرش ترغیب نمود تا او را به قتل رساند و بدین سبب از زیانکاران عالم گردید .

آنگاه خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را به چنگال گود نماید ، تا به او بنماید که چگونه بدن مرده برادر را زیر خاک پنهان سازد ، با خود گفت ای وای بر من آیا من از آن عاجزترم که مانند این کلاغ باشم تا جسد برادر را زیر خاک پنهان کنم ، پس او از این کار سخت پشیمان گردید . " (قرآن کریم ، سوره مائده ، آیه 30 ، 31) . (مشکینی ، 1387 ، 122) .

خلاصه قضیه این است که ، قابیل پسر آدم (ع) بر برادرش هابیل حسد می برد که چرا قربانی برادرش پذیرفته نشده است و به برادرش می گوید که او را خواهد کشت ، هابیل پاسخ می دهد : آنگاه که دست ستم به سوی من بگشایی من دست ظلم به سوی تو نخواهم گشود زیرا از پروردگار جهانیان می ترسم و می خواهم که با ریختن خون من بی گناه ، در زمره ستمکاران و یاران دوزخ قرار گیری .

قابیل از گفتار هابیل متنبه نمی آید و عاقبت دست خویش به خون برادر خود می آلود بعد که می خواهد جسد او را در نقطه ای پنهان کند ، تا پدر و مادرش به این جنایت پی نبرند و از قتل او آگاه نشوند ، نمی داند چه کند . تا کلاغی ظاهر می شود و با منقار در زمین کاوش کرده ، شیئی را که با خود داشته پنهان می کند . قابیل ضمن اینکه پنهان کردن جسد را از کلاغ می آموزد ؛ از اینکه خود را در فهم از کلاغی پست تر می بیند خجل می گردد و با آگاه گشتن به میزان نادانی خویش بر کرده زشت خویش پشیمان می شود . (محمودی ، 123 ، 1352) .

ضرب المثلها و کنایه ها :

- کلاغ خواست را رفتن کبک را بیاموزد ، را رفتن خود را هم فراموش کرد .

کلاغ تک کبک در گوش کرد / تک خویشتن را فراموش کرد (نظامی) .

خاقانی آنکانکه طریق تو میروند / زاغند و زاغ را روش کبک آرزوست (خاقانی) .

هر که گوید کلاغ چون زاغ است / نشنودش ، که دیده ها باز است (امثال و حکم) .

- کبوتر کند با کبوتر پرش / کند زاغ با زاغ دیگر چرش (مرحوم ادیب) .
- کلاغ ، سر لانه خودش قارقار نمی کند / نفرین به خویشان و اقربا سزاوار نباشد (امثال و حکم) .
- کلاغ از وقتی بچه دار شد ، شکم سیر به خود ندید .
- کلاغ روده خودش در آمده بود ، می گفت جراحم .
- کلاغ امساله است : گویند کلاغی به جوجه خود گفت اگر آدمی را دیدی که خم می شود ، بی درنگ پرواز کن ، چرا که می خواهد سنگی از زمین برداشته و با آن تو را بزند . جوجه کلاغ زیرک در جواب می گوید : اگر از قبل سنگی در آستین نهان کرده بود چه باید کرد ؟
- سنگ مفت کلاغ مفت .
- هزار کلاغ را یک کلوخ بس است .
- یک کلاغ ، چهل کلاغ شدن : کنایه از امری کوچک ، از دهانی به دهانی هر چه بزرگتر مشهور شدن . (سخت اغراق گفتن) .
- صد رحمت به قار قار کلاغ : کنایه از صدای گوشخراش و نازیبا .
- غرابا مزن بیشتر زین نعیقا / که آواره کردی مرا از عشیقا (منوچهری) .
- زاغ اندر باغ گیتی تا که دستان می زند / از نوای عندلیبان باغ گیتی بینو است (ادیب) .
- کلاغ هرگز به بامش نمی نشیند : کنایه از بسیاری بخل و امساک است .
- پرکلاغ : کنایه از گیسوی سخت سیاه .
- پر کلاغی : کنایه از رنگ سیاه . (دهخدا ، جلد ۲ - ۳ ، 2537) .
- کلاغ پر : شبیه به پر کلاغ ها در کنار هم . (نام یکی از بازی های کودکان) و نوعی از آجر فرش کف اطاق یا حیاط یا حاشیه بندی کنار باغچه ، بطور لوزی که گوشه های آجرها به هم متصل باشد .
- در اصطلاح بنایان نیمه آجر به شکل مثلث .
- آن وقت صبح ، که کلاغان از آشیان پرواز کنند (صبح زود) .
- تنگ کلاغ : نزد شکارچیان ، وقت غروب .
- کلاغ زدن (کلاغ گرفتن) : کنایه از طعنه زدن ، تمسخر کردن ، ریشخند زدن .
- کلاغی : چارقدی ابریشمین که زنان عشایر بر سر کنند . قسمی روسری زنان از ابریشم . دستمال ابریشمین که مردان کُرد بر کلاه و زنان کُرد به سر و روی بندند . نوعی پارچه است . (دهخدا ، 1338 ، 52) .
- پر زاغ : شب و هر چیز سیاه را بدان تشبیه کنند .

- شب از حمله روز گردد ستوه / شود پر زاغش چو پر خروه (عنصری) .
- زال ار چه موی چون پر زاغ آرزو کند / بر زاغ محبت عنقا بر افکند (خاقانی) .
- روی او در گیسوی چون پر زاغ / همچو خورشیدی همه چشم و چراغ (عطار) .
- چون شنیدند این سخن مرغان باغ / شد جهان بر چشمشان چون پر زاغ .
- || آدم ازرق مؤلف آندراج گوید : و از اینجاست (از روی شباهت با چشم مرغی که نام آن زاغ است) که آدمی ازرق را زاغ گویند .
(آندراج) : زاغ چشم یا چشم زاغ ، همچشم زاغ :
- بلبلم اما سلیم از بی وفائی های گل / اشک خونین در چمن همچشم زاغم می کند . (محمد قلی سلیم بنقل از آندراج) || چشم
کبود و (ازرق) را چشم زاغ و دیده زاغ گویند :
- یکی باغبان اندر آن باغ بوده / دل سختش و دیده زاغ بوده (لغت فرس اسدی) .
- زاغ چشم : کنایه از فتنه ، کبود چشم .
- زاغولو : دارای چشمان زاغ .
- || مجازاً چشم خیره :
- چشم او را که بهریتا زاغ است / روضه گاهی برون از این باغ است .
- زاغ دل : کنایه از سیاه دل ، سخت دل و قصی القلب .
- زاغ رنگ : کنایه از هر چیز سیاه که به سیاهی پر زاغ باشد (شب) .
- بر آمد زاغ رنگ و ماه پیکر / یکی میغ از فراز کوه قارن (منوچهری) .
- چو روز سپید از شب زاغ رنگ / بر آمد چو کافور از اقصای زنگ (نظامی) .
- همه زیور روم شد زاغ رنگ / بروم اندر آمد شبخون زنگ (نظامی) .
- زاغ زبان : کنایه از زبان سیاه (سغ سیاه) ، کسی که هر گاه نفرین کند ، مؤثر واقع شود . (کنایه از قلم) .
- اسبی که زبانش سیاه باشد ، و آن حسن است .
- زاغ سار (زاغ سر) : آنکه دارای سر سیاه باشد ، کنایه از ظالم سر سخت ، سیاه دل ، سخت دل .
- زاغ و زیغ : کنایه از فرزندان خردسال کسی ، زاغ و زوغ هم گویند . شور و غوغا و آشوب .
- زاغ سیاه چوب زدن : کنایه از به طور پنهانی و از دور ناظر م مراقب کسی بودن است .
- زاغ شب : شب تیره و تاریک .

- زاغ کمان : گوشه کمان - قولی است از موسیقی .

گه بصیر آمده چون مرغ باغ / نغمهٔ بلبل زده از قول زاغ (امیر خسرو دهنوی در وصف قلم بنقل از آندراج) .

- زاغ پا : کنایه از طعنه و سرزنش .

- زاغ فعل : آنکه رفتار زاغ دارد ، بد فعل ، بد کردار .

- زاغکی : به رنگ زاغک ، سیاه .

- زاغ گرفتن : عیب گرفتن ، طعنه زدن .

- قشقرق به پا کردن : کنایه از جار و جنجال و داد و فریاد ، المشنگه راه انداختن . (قشقرق : نوعی کلاغ ، نام این پرنده مأخوذ از صورت آن است) . (دهخدا ، جلد ۲۷ ، ۱۳۳۹ ، ۳۹ - ۴۱) .

باورها و دانسته های محلی ایران :

- صبح دیدن کلاغ و کبک بد است هر گاه دو کلاغ ببینند شگون دارد .

- کلاغ که صبح زود غار غار بکند خبر از راه دور می رسد و یا مسافر می آید ، باید بگویند : خوش خبر باشی کاغذ از مسافر می آید . - شکارچی که صبح کلاغ بزند دستش بسته می شود و تا شب دیگر چیزی نمی زند .

- زاغ خواست روش کبک را بیاموزد مال خودش را فراموش کرد و به این جهت در راه رفتن جست می زند .

(هدایت ، ۱۳۴۲ ، ۱۳۰ - ۱۳۱) .

- اگر کلاغ بر بام خانه ای بنشیند و قار قار کند ، نشانهٔ رسیدن مهمان یا مسافر ، یا خبری خوش است و در پاسخ قار قار و صوت این پرنده ، چنین می گویند :

غلاغ سیاه ، دندونک طلا ، خیرِ خیر ، خیرِ خبر ، دمته (= دمت را) علم کن . برو ... (فلان جا) ... (فلانی را) خبر کن ، اگر میاد (= می آمد) قاری بزن ، قاری دیه (= دیگر) ، قاری دیه (= دیگر) . (مکرری ، ۱۳۶۱،۹۴) .

- دیدن کلاغ در خواب ، نشانهٔ خبر رسیدن از مسافر است .

- وقتی شکارچی قصد شکار می کند اگر بر سر راه کلاغی بخواند (اعتقاد بر این است که شکارچی با دست پر بر می گردد . قسمتی از رودهٔ حیوان شکار شده را « کلاغ خور » می نامند و به سبب خوش یمنی کلاغ در شکار ، شکارچی ها معمولاً این قسمت از روده را بیرون می آورند و به عنوان پاداش به کلاغ می دهند . (اسدیان خرم آبادی ، ۱۳۵۸ ، ۲۵۴) .

ردیف	تصویر	عنوان	دوره و تاریخ	مکان کتونی	مکان واقعی	کارکرد	شیوه ترسیم	عنصر شاخص	زاویه نمایش	مواد	توضیحات ملاحظات
۱		پادشاه زاغان در مقابل وزیرانش	۱۲۰۰ تا ۱۲۴۰ میلادی	ایران	ایران	نقاشی	نقاشانه	تصویر برنده	نیم رخ	رنگ	تصویر مربوط به یکی از داستان های کلیله و دمنه می باشد . Arab painting
۲		کلاغ با علامت مخصوص او	-	-	ایران	نقاشی	نقاشانه	تصویر برنده	نیم رخ	رنگ ، موزاییک	کلاغ یا علامت مخصوص او ، چوبی که به دور آن دو مار چپبر زده اند (عسلی سحر آمیز هرمس - مرکور) ، نقش موزاییک ، مهرکده سنت پرسبک . بر گرفته از کتاب : آئین میترا - مارتن ورمارزن - ترجمه بزرگ نادزاد - نشر چشمه - تهران ۱۳۷۵
۳		نواح بین کلاغ ها و جغد ها	دوره ایلخانی (قرن ۷ - ۸ ه . ق)	ایران	ایران	نقاشی	نقاشانه	تصویر برنده	نیم رخ	رنگ	بر گرفته از کتاب : Arab painting
۴		کلاغ (پیک)	-	-	ایران	نقاشی	نقاشانه	تصویر برنده	نیم رخ	رنگ	نماد میترا ، ستاره (خورشید) کلاغ (پیک) ، کمان ، کلاه فریخی ، خنجر بر گرفته از کتاب : آئین میترا - مارتن ورمارزن - ترجمه بزرگ نادزاد - نشر چشمه - تهران ۱۳۷۵

جدول تصاویر کلاغ ۱

ردیف	تصویر	عنوان	دوره و تاریخ	مکان کتونی	مکان واقعی	کارکرد	شیوه ترسیم	عنصر شاخص	زاویه نمایش	مواد	توضیحات ملاحظات
۵		حکایت زاغ و بوم و جنگ بومان و مکر زاغان در دفع آنها	-	ایران	ایران	نقاشی (برخی از کلیله و دمنه) (نگارگری)	نقاشانه	تصویر برنده	نیم رخ	رنگ	مربوط به حکایتهای کلیله و دمنه می باشد . این تصویر ویژگیهای سبک بین‌النهرین یا بغداد را نشان می دهد . ۱ . ز اینجا که فضای حاکم بر داستان سراسر مکر و حیله نقاشی از تغییر و اندیشه زاغان می باشد ، زاغ نیز مکار تصویر شده است . خلاصه داستان این است که زاغ برای فریب جفدها آمده است و فرار است . خود را رانده شده ، از جمع و دوستان سابق نشان دهد . زاغ به جمع جفدها پیوسته و ... در این تصویر حالت مکاری و مودبگری زاغ به خوبی قابل رویت می باشد ، رنگ سرخ چشم ، منقار و پاها این خصلت را واضح تر می کند ، جای قرار گیری زاغ نیز بسیار مهم است که در گوشه کادر و با حالت خیز و کشیدگی به سمت جفدها تصویر شده است که مخاطب را از خیر و حرفهای مهمی که زاغ برای جفدها دارد ، آگاه می سازد . علاوه بر این زاغ که قصد دارد خود را ضعیف و ساده و ناچیز جلوه دهد ، در مقابل جفدها کوچک تصویر سازی شده است . بر گرفته از کتاب : علم در اسلام - به اهتمام احمد آرام - تهران ۱۳۶۶ - انتشارات سروش

جدول تصاویر کلاغ ۲

ردیف	تصویر	عنوان	دوره و تاریخ	مکان کنونی	مکان واقعی	کارکرد	شیوه ترسیم	عناصر شاخص	زاویه نمایش	مواد	توضیحات	ملاحظات
۶		جنگ گروه زافان را با بومنان نمایش می دهد .	سده ۱۵ میلادی ، دوره تیموری	کتابخانه گلستان تهران	ایران	نقاشی (برگی از کلبه و دمنه)	نقاشانه (نگارگری)	تصویر پرنده	تمام رخ	رنگ	این تصویر متعلق به کتاب کلبه و دمنه می باشد . در این نقاشی که جنگ گروه زافان را با بومنان نمایش می دهد همه عوامل قلمه در جهت خلق یک جهانی که بر از تحرک و سرشار از نیروهای متخاصم است بسج گردیده است .	بر گرفته از کتاب : آشنایی با رنگ آمیزی در آثار هنری ایرانیان از کهن ترین زمان تا دوران قاجاریه - جلیل ضیاء پور - تهران ۱۳۵۳ - انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر
۷		صحنه آتش زدن محل اجتماع بومنان توسط زافها را نشان می دهد .	۷۵۵ میلادی	-	احتمالاً سوریه	نقاشی (برگی از کلبه و دمنه)	نقاشانه (نگارگری)	تصویر پرنده	سه رخ	رنگ	این تصویر هم مربوط به یکی از حکایت های کلبه و دمنه می باشد ، که صحنه آتش زدن محل اجتماع بومنان توسط زافها را نشان می دهد . این تصویر ویژگی های سبک بین النهرین یا بغداد را نشان می دهد .	بر گرفته از کتاب : Arab painting

جدول شماره کاغذ ۳

ردیف	تصویر	عنوان	دوره و تاریخ	مکان کنونی	مکان واقعی	کارکرد	شیوه ترسیم	عناصر شاخص	زاویه نمایش	مواد	توضیحات	ملاحظات	
۸		چهار دوست	مکتب هرات و لوافل قرن ۱۵	کتابخانه کاخ گلستان تهران	ایران	نقاشی (برگی از کلبه و دمنه)	نقاشانه (نگارگری)	منظره	نیم رخ	رنگ	داستان چهار دوست ، بر گرفته از کتاب : نگاهی به حکایت دیگری از کلبه و دمنه است . دهم هجری - دکتر اکبر تجویدی - چاپ دوم ۱۳۷۵ - انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	بر گرفته از کتاب : نگاهی به	
۹		سیاد و پرندگان	مکتب هرات و لوافل قرن ۱۵	کتابخانه کاخ گلستان تهران	ایران	نقاشی (برگی از کلبه و دمنه)	نقاشانه (نگارگری)	تصویر منظره و پرنده	نیم رخ و سه رخ	رنگ	مربوط است به داستان سیاد و پرندگان حکایتی از کلبه و دمنه می باشد .	بر گرفته از کتاب : آشنایی با مینیاتورهای ایران - بررسی و تحقیق در مورد ریشه های هنر مینیاتور و مکتب های آن - تالیف و گردآورنده آرتور پوپ - ترجمه حسن تیر	بر گرفته از کتاب : آشنایی با مینیاتورهای ایران - بررسی و تحقیق در مورد ریشه های هنر مینیاتور و مکتب های آن - تالیف و گردآورنده آرتور پوپ - ترجمه حسن تیر
۱۰		چهار دوست	مکتب غزنوی ، سال ۶۶۲ ه . ق	ایران	ایران	نقاشی (برگی از کلبه و دمنه)	نقاشانه (نگارگری)	تصویر حیوانات	نیم رخ	رنگ	حکایت چهار دوست از کتاب کلبه و دمنه	بر گرفته از کتاب : نگاهی به نگارگری در ایران - بازل گری - فیروز شیروانلو - چاپ دوم - انتشارات توس	

جدول شماره کاغذ ۴

ردیف	تصویر	عنوان	دوره و تاریخ	مکان کنونی	مکان واقعی	کارکرد	شیوه ترسیم	عنصر شاخص	زاویه نمایش	مواد	توضیحات	ملاحظات
۱۱		معرفی حیوانات	-	موزه آرمیتاژ	ایران	نقاشی	نقاشانه (نگارگری)	تصویر پرند	نیم رخ و سه رخ	رنگ	نقاشی به سبک هندی، از کتابی در معرفی حیوانات.	بر گرفته از کتاب: هنر اسلامی - کارل - جی - دوری - ترجمه رضا بصیری - چاپ اول ۱۳۴۴ - انتشارات بساوی
۱۲		سخنه ای که هایل توسط قایل کشته می شود.	مکتب ایلخانی، مرلته: ۱۲۹۸ میلادی و ۶۹۷ هجری - (قرن ۷-۸ ق)	کتابخانه مورگان نیویورک	ایران	نقاشی	نقاشانه (نگارگری)	تصویر انسان و پرند	نیم رخ و سه رخ	رنگ	مربوط به یکی از قصه های قرآن می باشد. از کتاب منافع الحيوان، این یختشوخ، در این تصویر یک زاغ و یک کلاغ نیز با هم در سینه زدند. این دو پرند بسیار چنگو به نظر می رسند.	بر گرفته از کتاب: آشنایی با مینیاتورهای ایران - بررسی و تحقیق در مورد ریشه های هنر مینیاتور و مکتب های آن - تالیف و گردآورنده آر تور پوپ - ترجمه حسن نیر
۱۳		چهار دوست	مکتب خراسان، اواسط قرن چهارده (قاجاریه)	کتابخانه دانشگاه استانبول	ایران	نقاشی	نقاشانه (نگارگری)	تصویر انسان و حیوانات	سه رخ	رنگ	مینیاتوری از کتاب داستانهای بید پای، داستان چهار دوست، از حالت تصویر شده پرند سر و صدای قار، قار کلاغ به وضوح شنیده می شود.	(همان منبع)

جدول تصویر کلاغ ۵

ردیف	تصویر	عنوان	دوره و تاریخ	مکان کنونی	مکان واقعی	کارکرد	شیوه ترسیم	عنصر شاخص	زاویه نمایش	مواد	توضیحات	ملاحظات
۱۴		مینیاتورهای رضا عباسی	-	ایران	ایران	نقاشی	نقاشانه (نگارگری)	تصویر منظره و پرند	نیم رخ و سه رخ	رنگ	مینیاتور رضا عباسی در اکثر مینیاتورهای ایرانی پرند دیده می شود. اما در آثار رضا عباسی پرند جایگاه خاصی دارد و بدون اغراق در این تصاویر کلاغ به وضوح دیده می شود که به سادگی و به نحوی زیبا تصور شده است.	بر گرفته از کتاب: مجموعه آثار رضا عباسی
۱۵		مجسمه زاغ	بعد از ساسانیان	-	ایران	مجسمه	انتزاعی	تصویر پرند	تمام رخ	مفرغ	ریختگی میان پر، شاید کارشام، ارتفاع ۱۳ سانتی متر، سابقاً متعلق به برومر، حالت ایستادگی و افتاد را به خوبی می رساند. سر بالا، سینه رو به جلو و چشمها کاملاً باز و آگاه به محیط پیرامون می باشند.	بر گرفته از کتاب: شاهکارهای هنر ایران ۱۳ - آرتور لهام پوپ - اقتباس و نگارش: دکتر پرویز نائل ظاهری - تهران - نیویورک ۱۳۳۸ - با همکاری موسسه انتشارات فرانکلین.
۱۶		طرح درختی	۱۸۹۶ میلادی	ایران	کرمان	قالیچه	نقاشانه	تصویر درخت و پرند	تمام رخ و سه رخ	بشم	قالیچه طرح درختی زاور کرمان، ابعاد ۱۷۹ × ۲۸۰ سانتی متر	بر گرفته از کتاب: قالها و قالیچه های شهری و روستایی ایران - لریک اشتر - ترجمه مهشید تولانی ومحمد رضا نصیری - چاپ اول ۱۳۷۴ - انتشارات بساوی

جدول تصویر کلاغ ۶

براساس مطالعات انجام گرفته بر روی تصاویر این نتایج حاصل گردیده است :

کلاغ (که شامل 16 تصویر از کلاغ است) .

* بیشترین حضور به دست آمده از طریق بررسی صورت گرفته در جدول ها به دوره های زیر مربوط است .

کلاغ : دوره ایلخانیان (قرن 7 - 8 هجری قمری) و مکتب هرات (اوایل قرن 15 میلادی ، قرن 9 هجری قمری) .

* مطابق نتایج به دست آمده ، اسناد تصویری مورد پژوهش نقش کلاغ در شرایط کنونی در این مکان ها قرار دارند .

تهران (کتابخانه کاخ گلستان) .

در موزه های سایر کشورها نیز آثاری از این پرند مشاهده شده است ، از جمله موزه آرمیتاژ - کتابخانه مورگان نیویورک - کتابخانه دانشگاه استانبول ، اما به طور کلی در موزه ها و مجموعه های خصوصی ایران این آثار بیشتر

مشاهده شده است .

* براساس بررسی های انجام شده بر روی تصاویر (جدول ها) ، مناطقی از ایران که تصاویر کلاغ بیشتر در آن دیده می شود بدین قرار است :

کرمان ، ایران و در تمامی نقاط ایران این نقوش دیده شده است .

* مطابق نتایج به دست آمده ، بر روی تصاویر (جدول ها) ، کارکرد های متفاوتی برای نقش کلاغ وجود دارد ، که بیشترین آنها به قرار زیر است : (نقاشی ، نگارگری) از دیگر موارد کارکرد آن می توان به مجسمه و قالیچه اشاره کرد .

* براساس بررسی های انجام شده بر روی تصاویر (جدول ها) ، بیشترین شیوه ترسیم طاووس به شرح زیر می باشد :

(نقاشانه « طبیعت گرا ») .

* عنصر شاخص بر روی این آثار بدین قرار است :

کلاغ : (تصویر پرند) در تمامی آثار جمع آوری شده پرند به عنوان عنصر شاخص مطرح است و در برخی موارد از آن به عنوان عنصر تزئینی در کنار طبیعت و انسان استفاده شده است .

* با توجه به بررسی های صورت گرفته بر روی آثار بیشترین زاویه نمایش مورد استفاده در کلاغ (بدن از روبه رو ، صورت نیم رخ - نیم رخ) است . از آنجایی که آثار بیشتر به صورت دو بعدی نمایش داده شده اند ، از زاویه دید (نیم رخ) بیشتر از سایر زوایا استفاده شده است .

* با توجه به مطالعات صورت گرفته بر روی تصاویر (جدول ها) بیشترین مواد استفاده شده در تصاویر طاووس بدین قرار است : (رنگ ، موزاییک ، پشم ، مفرغ) .

نتیجه گیری :

با توجه به بررسی هایی که انجام شد ، دریافته ایم که سیر تحول تفکرات اعتقادی بشر از دوران باستان تاکنون نسبت به پرنده و پرندگان ، حضوری چشمگیر داشته است .

توجه به نمادها و نشانه ها و سمبل های آنها ، که همگی حکایت از احترام و ارزش نهادن انسان ها به پرنده است دیده می شود. تأثیری که این موجود زنده بر زمین و حیات بشری می گذارد ، باعث شده است تا در دوره های مختلف تاریخی از دغدغه های انسان امروزی محسوب شود و بر زندگی تأثیر فراوانی گذارد .

تحقیق حاضر به بررسی و شناخت این پرندگان به خصوص طاووس ، در تاریخ و ادیان مختلف پرداخته است و به این معانی و مفاهیم دست پیدا کردیم :

در طول تاریخ برحسب هستی شناسی و تغییرات آن ، برخورد با موضوع نقش ها و شیوه های ترسیم و نمایش و استفاده دگرگونی یافت . در نخستین روزهای ترسیم هر شکلی ، خام دستی و نگاه طبیعت سازانه ، آشکارا به چشم می خورد . اما هر نقشی به تدریج و با ترسیم بیشتر در طول سال های فراوان بهبودی یافته ، ساده شده و ارزش نشانه ای در ترسیم آن آشکار تر می گردد . پراکندگی نقش ها و تعلق آن ها به بوم های متفاوت ، مدت های مختلف و نیز توان فن در اجرای نقش ؛ همه سبب دگرگونی در شکل نهایی می شده ، نقش ها گاهی اوقات زمخت و ناپیراسته ، گاهی فاخر و شکوهمند ، گاهی ساده و مظلوم و مردمی ، گاهی فاخر و شاهانه به نمایش در آمده اند .

در بسیاری از تصاویر و نقوش می توان ردپایی از نظرات اعتقادی ، باورهای قومی و اساطیری و آئینی را مشاهده کرد .

در بین کتب و نسخه های خطی قدیمی که مربوط به پرندگان مختلف می باشد ، می توان تأثیر فرهنگ و تمدن و نوع تفکر مردمان آن زمان را مشاهده کرد .

* فهرست منابع و مأخذ (کتاب)

1. اسدیان خرم آبادی ، محمد ، محمد حسین باجلان و منصور کیایی - باورها و دانسته ها در لرستان و ایلام - تهران - 1358 - انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی مرکز مردم شناسی ایران
2. بروس فورد ، میراندا- نماد و نشانه ها در جهان - ترجمه : ابوالقاسم دادور - زهرا تاران - تهران - چاپ اول - 1388 - انتشارات کلهر / دانشگاه الزهرا
3. جابز ، گرتروود - سمبل ها ، کتاب اول : جانوران - ترجمه و تالیف : محمد رضا بقا پور - تهران - چاپ اول - 1370 - ناشر : مترجم
4. دلاشو ، م . لوفر - زبان رمزی قصه های پریوار - ترجمه جلال ستاری - تهران - چاپ دوم - 1386 - انتشارات توس
5. دهخدا ، علی اکبر - لغت نامه دهخدا - زیر نظر دکتر معین - شماره مسلسل : 53 - شماره حرف (ز) : 1 - (ز - زاید) - جلد بیست و هفت - تهران - خرداد 1339 هجری شمسی - چاپ سیروس - موسسه لغت نامه دهخدا

6. دهخدا، علی اکبر - لغت نامه دهخدا - شماره مسلسل : 27 - شماره حرف (ع) : 1 - (ع) - جلد سی و پنج - تهران - 1330 خورشیدی - چاپ سیروس
7. دهخدا، علی اکبر - لغت نامه دهخدا - زیر نظر دکتر معین، دکتر سید جعفر شهیدی - شماره مسلسل : 180 - شماره حرف (ک) (بخش دوم) : 1 - (کف - کلمبه) - جلد چهلیم - تهران - اردیبهشت 1351 هجری شمسی - چاپ سیروس - موسسه لغت نامه دهخدا
8. رضی، هاشم - آئین مهر (میترائیسم) - تهران - 1382 - انتشارات بهجت
9. رضی، هاشم - فرهنگ نام های اوستا - تهران - 1346 - سازمان انتشارات فروهر
10. شوالیه، ژان و آلن گربران - فرهنگ نمادها (جلد اول) و (جلد دوم، حرف ب تا ج) و (جلد سوم، حرف ح تا س) و (جلد چهارم، حرف ش تا گ) - ترجمه و تحقیق : سودابه فضایی - تهران - 1379 - چاپ اول - ناشر : انتشارات جیحون
11. عمید، حسن - فرهنگ فارسی عمید - تهران - چاپ دوازدهم - 2537 - موسسه انتشارات امیر کبیر
12. قرآن کریم - زیر نظر حضرت آیت الله مشکینی - مترجم : مهدی الهی قمشه ای - قم - چاپ سی و دوم - 1387 - مرکز چاپ و نشر قرآن کریم
13. قلی زاده، خسرو - فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی - تهران - 1387 - انتشارات کتاب پارسه
14. کتاب مقدس - عهد جدید (انجیل) - تهران - انتشارات انجمن کتاب مقدس ایران
15. کتاب مقدس - عهد عتیق (تورات) - تهران - انتشارات انجمن کتاب مقدس ایران
16. کوپر، جی. سی - فرهنگ مصور نمادهای سنتی - ترجمه ملیحه کرباسیان - تهران - 1379 - نشر فرهاد
17. محمودی، عباسعلی - اسراری از زندگی حیوانات - تهران - 1352 - دایره انتشارات شرکت سهامی سیمان فارس و خوزستان
18. مصاحب، غلامحسین - دایره المعارف فارسی - جلد اول (ا - س) و جلد دوم، بخش اول (ش - ل) و جلد دوم، بخش دوم (م - ی) - تهران - 1345
19. معین، محمد - فرهنگ فارسی - جلد اول (آ - خ) و جلد دوم (د - ق) و جلد سوم (ک - مع) و جلد پنجم و چاپ پنجم از جلد ششم (غ - ی) - تهران - 1362 - انتشارات امیر کبیر
20. مکرری، محمد - فرهنگ نامهای پرندگان، در لهجه های غرب ایران (لهجه گردی) و تطبیق آنها با نام فارسی و لهجه های دیگر محلی ایران - تهران - 1361 - موسسه انتشارات امیر کبیر
21. وارنر، رکس - دانشنامه اساطیر جهان - برگردان : ابوالقاسم اسماعیل پور - تهران - 1387 - چاپ دوم - نشر اسطوره
22. هدایت، صادق - نیرنگستان - تهران - 1342 - چاپ سوم - موسسه چاپ و انتشارات امیر کبیر

23. هال ، جیمز - فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب - ترجمه رقیه بهزادی - تهران - 1387 - چاپ سوم - فرهنگ معاصر
24. یاحقی ، محمد جعفر- فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی - تهران - چاپ اول - 1369 - انتشارات سروش
25. یاحقی ، محمد جعفر - فرهنگ اساطیر و داستانواره ها در ادبیات فارسی - تهران - چاپ دوم - 1388 - نشر فرهنگ معاصر

*** فهرست منابع تصویری (کتابهای فارسی)**

1. آرام ، احمد - علم در اسلام - تهران - 1366 - انتشارات سروش
2. ایهام پوپ ، آرتور - شاهکارهای هنر ایران - اقتباس و نگارش دکتر پرویز نائل خانلری - تهران - 1384 - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
3. اشنبر ، اریک - قالیچه های شهری و روستایی ایران - ترجمه مهشید تولائی و محمدرضا نصیری - چاپ اول - 1374 - انتشارات یساولی
4. پوپ ، آرتور - آشنایی با مینیاتورهای ایران - بررسی و تحقیق در مورد ریشه های هنر مینیاتور و مکتب های آن - ترجمه حسن نیر - تهران
5. تجویدی ، اکبر - نگاهی به هنر نقاشی ایران از آغاز تا قرن دهم هجری - تهران - چاپ دوم - 1375 - انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
6. دوری ، کارل . جی - هنر اسلامی - ترجمه رضا بصیری - تهران - چاپ اول - 1364 - انتشارات یساولی
7. ضیاء پور ، جلیل - آشنایی با رنگ آمیزی در آثار هنری ایرانیان از کهن ترین زمان تا دوران قاجاریه - تهران - آبان 1353 - انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر
8. گری ، بازل - نگاهی به نگارگری در ایران - فیروز شیروانلو - تهران - چاپ دوم - انتشارات توس
9. ورمارزن ، مارتن - آئین میترا - ترجمه بزرگ نادرزاد - تهران - 1375 - نشر چشمه

Title: Typology of Bird, Raven

Abstract:

With temporary observation to historical, literature and article features, we found the meaning and role of bird has important position in Iranian society and its thinking.

The role of birds has been highlighted in Iranian legend and story. With regards to this extended presence of birds, there is no complete survey in this field and also no attention to picture and birds drawing.

In this research, the position of birds and recognition of its drawing, especially Fabulous Beasts, Raven has been surveyed.

Research purpose: In literature and historical life of Iranian with different reasons and points of view from every phenomenon and important subject in symbolic way, choose substantive sign and with using it in text, picture and social life has built their cultural world. The goal of research is discovering and extracting these signs in cosmology and Iranian and other people thought.

Research plan: Artistic activities require to be attached with thought and history and culture. Iranian artist is supposed to study his cultural history with this kind of thought as a valuable treasure and import its concepts in profit of now and future in his art works.

The importance of this research comes from these characterizes.

Research method: Considering the research goals that is gathering and analysis of signs and bird symbols in Iranian legends and literature, the method of gathering information in this research is through studying documents and evidences in libraries and review of signs and symbols of legendary birds with librarian method and the review has been done from various valid resources and this method is a historical, Descriptive and analytic kind.

Keywords: Bird, Raven, Crow, Iranian Literature